

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

بازتایپ از: لاله هوادار (سازمان انقلابی افغانستان)

۲۰ می ۲۰۱۲

ارزش اضافی مطلق

از آنچه پیش از این گفتیم، نتیجه می گیریم که در نظام سرمایه داری، روزانه کار به دو بخش تقسیم می گردد:
۱- زمان کار لازم برای تولید آن مقدار کالا که از نظر ارزش برابر با نیروی کاریست که کارگر فروخته است.

۲- زمان کار اضافی که طی آن کارگر برای سرمایه دار کار کرده و ارزش اضافی به وجود می آورد.
برای مثال، یک روزانه کار ۱۰ ساعته را در نظر بگیریم که از این مقدار، ۵ ساعت زمان کار لازم و ۵ ساعت زمان کار اضافی باشد. این مطلب را به وسیله دیگرام زیر نمایش می دهیم.

۵ ساعت	۵ ساعت
زمان کار لازم	زمان کار اضافی

در چنین صورتی نرخ ارزش اضافی برابر خواهد بود با

$s = ۵ \text{ ساعت زمان اضافی}$

$$s\% = \frac{۵}{۱۰} \times 100\% = 50\%$$

۵ ساعت زمان لازم

اگر زمان کار لازم ثابت بماند، با افزایش ساعات کار روزانه، زمان کار اضافی نیز بیشتر خواهد شد. این امر به معنی افزایش نرخ ارزش اضافی یعنی افزایش درجه استثمار کارگر می باشد. فرض کنید روزانه کار از ۱۰ ساعت به ۱۲ ساعت افزایش یابد، زمان کار اضافی بنابراین به جای ۵ ساعت، ۷ ساعت خواهد شد.

۷

در این حالت، نرخ ارزش اضافی به : $۱۴۰\% = ۱۰۰\% \times \frac{۷}{۵}$ می رسد.

۵

ارزش اضافی حاصل از افزایش ساعات کار روزانه را ارزش اضافی مطلق می نامند، ولی از آنجائی که عطش سرمایه دار برای ارزش اضافی هرگز پایان ندارد، می کوشد تا طول ساعات کار روزانه را به حد نهائی و فوق العاده ای افزایش دهد.

اما سرمایه دار تا چه حد می تواند ساعات کار روزانه را افزایش دهد؟ سرمایه داران اگر بتوانند، کارگر را مجبور خواهند ساخت در هر شبانه روز، بیست و چهار ساعت برای آنها کار کند. اما این امر ممکن نیست زیرا یک انسان باید قسمت هائی از اوقات شبانه روز خود را صرف استراحت، خواب و تغذیه خود نماید. این حوائج، محدودیت های صرفاً فیزیکی و مادی روزانه کار را تعیین می کنند. ولی گذشته از محدودیت های مادی، محدودیت های معنوی و اخلاقی نیز در این مورد وجود دارند. زیرا کارگر به عنوان یک عضو جامعه، برای ارضای نیازمندی های فرهنگی و اجتماعی خود (مطالعه کتاب و روزنامه، رفتن به سینما، حضور در میتنگ ها، دیدار با فامیل ها و دوستان و غیره...) احتیاج به وقت دارد. ولی از آنجائی که محدودیت های مادی و معنوی روزانه کار، هر دو انعطاف پذیراند، در نظام سرمایه داری روزانه کار، ممکن است به ۸، ۱۰ یا ۱۲ ساعت و یا حتی بیشتر از این هم برسد.

در مراحل ابتدائی سرمایه داری، دولت ها در جهت منافع بورژوازی قوانین مخصوصی برای طولانی تر کردن روزانه کار یعنی افزایش ساعات کار در روز، تصویب و منتشر می ساختند. بعد ها با رواج تولید ماشینی و رشد بیکاری، احتیاج به قوانینی که روزانه کار را طولانی تر کنند منتفی شد. سرمایه دار اکنون دیگر قادر بود به اعمال فشار اقتصادی نیست تا کارگر را مجبور بسازد که حداکثر ساعات ممکنه را کار کند.

کارگران مبارزه سختی را به منظور کاهش ساعات کار روزانه آغاز کردند. این مبارزه در انگلستان زودتر از جا های دیگر توسعه و تکامل یافت. مبارزه مزبور به ویژه پس از کنگره بین الملل اول در ژنو و کنگره کار بالتیمور که در ۱۸۶۶ برگزار شده، شکل سر سختی را به خود گرفت و شعار درخواست ۸ ساعت کار روزانه را مطرح ساخت.

مبارزه کارگران در بیشتر کشور های سرمایه داری، به تصویب قوانینی منجر شد که ساعات کار روزانه را محدود می ساخت. اکنون که ساعات کار روزانه از میزان معینی نمی تواند تجاوز نماید و سرمایه داران نیز خواهان مقادیر کلانی ارزش اضافی هستند، پس چگونه مسأله را حل کردند؟

ادامه دارد...

بر گرفته از کتاب علم اقتصاد، نوشته ای: پ نیکی تین